

مناظره انتخاباتی

د افغانستان د ۱۳۸۸ د جمهوری ریاست د ټولټاکنو په هکله

(محترم کرزی ټلویزیونی مناظرې ته خپل شرطونه وړاندې کړل!؟)

حرکت مطلق و سکون نسبی است. جوامع بشری در حال تغییر و تحول اند. کشور ما افغانستان در مرحله دیگر از انکشاف خویش قرار دارد. مرحله ایکه از هشت سال قبل متفاوت است.

جای بس مسرت و خوشی است که اینک مردم ما هم فرصت یافتند مانند جوامع متمدن و مستقر جهان به انتخابات بروند و ازین یگانه وسیله ممکن بدست آوردن اعتماد و عدم اعتماد مردم استفاده میبرند.

جای بس مسرت است که اینک مردم ما با استفاده ازین وسیله با تمام کمبودی های که دارد - تمرین دیموکراسی وجود دهها سوء تفاهات از مفاهیم، حدود و ثغور دیموکراسی، آزادی بیان، انتخابات و بازار آزاد دارند که اینک راه خویش را مییابند.

اینکه مردم ما ز عیم و رهبر خویش را تعیین کنند، برنامه و راه های حل مسایل مطروحه افغانستان را انتخاب نمایند و بخاطر این موضوع مهم و حیاتی از طرق نورمال مانند انتخابات استفاده میبرند- جای بس خوشی است. ما خوش هستیم که عوض تصمیم گیری ها در کنفرانس های بن، زد و بند های پشت پرده و حرکات مشابه - اینک مردم ما هم حق انتخاب را دارند.

دست آورد های خوب را باید عنعنه و برای جزء کلتور سیاسی کشور ساختن آن - پیگیر کار کرد. بلی ضرورت است و راه دیگر نورمال جزء مراجعه به آرای عامه برای بدست آوردن مشروعیت راه انتخابی ما برای مسایل مطروحه افغانستان - وجود ندارد.

برای برطرف کردن یک سوء تفاهم باید تأکید بدارم که تقریباً ۹۹ فیصد مردم افغانستان مسلمان اند و انتخاب خویش را دارند. ما درین راه بدون پیش داوری و تعصب از دست های مدرن بشریت استفاده میکنیم و این خلاف خواست و اعتقاد مردم ما نیست و بوده نمیتواند.

از اعتقادات، رسوم و کلتور نباید به مقابل و ضد ترقی کار گرفته شود. چنین فهم از اعتقاد، رسوم و کلتور مردم فهم نادرست است.

مسلم این است که بخش عظیم مردم ما با وجود بی سوادی از سواد عالی سیاسی برخوردارند.

دین مقدس اسلام دین دنیا و آخرت است. دین اسلام در تمام ساحات زندگی و مرگ و بعد از مرگ رهنمایی ها و هدایات دارد.

وظیفه ما است تا ازین حق یعنی انتخاب زعما و گرفتن سرنوشت خویش به دست خویش استفاده برده (ان الله لایغیبر ما بقوم حتی یغیبر ما بانفسهم - الایه) و وظیفه شهادت بر خوبی و تصدیق راه و برنامه درست شخصیت و زعیم خویش را انتخاب بداریم.

ما زمانی راه، برنامه و زعیم بهتر را انتخاب نموده میتوانیم که معلومات دقیق از راه، برنامه و شخصیت داشته باشیم.

شناخت و معرفت به انسان اتوریته می بخشند.

ضرورت است تا بدانیم برنامه شخص کاندید چیست؟ سابقه، حال و صداقت وی در گفتار و عمل آن تا چه حد است؟ شرع ظاهر را میبیند. بر قلب ها الله دانا است. ما میتوانیم با شنیدن برنامه شخص کاندید با تعقل و تدبیر محاسبه و قضاوت خویش را داشته باشیم.

بلی تعمق برین - زمانیکه که شخص کاندید امکانات عملی داشت چه کرد؟ آنچه وعده میدهد توان علمی، عملی و منابع آنرا دارد؟

آیا راه کرد های وی منطق خود را دارد و یا هم به هر قیمت میخواهد نمایش را براه اندازد تا در نهایت به تقلب کاری متوصل شود و به این ترتیب مردم جهان و هموطنان ما را فریب دهد؟

بلی یکی از بهترین راه ها انتخاب بهترین ها و برنامه های بهتر همین مناظره.

در صورتیکه در مناظره از شخص که مورد سوال قرار گرفته بی ارتباط صحبت دارد، اگر از موضوع خارج بحث میکند، اگر چرند میگوید و یا صحبت و برنامه خویش را کماحقه با منطق و امکانات عملی آن پیش کش میدارد.

اینکه اشتراک کننده همان جواب را که من توقع دارم نمی گوید.
اینکه اشتراک کننده اصلاً جواب نمی گوید و ساکت میماند.
اینکه اشتراک کننده با چالاکی خاص به زعم خویش در اغواء و فریب است.

اینکه گوینده، نطق و مودیراتور پروگرام سوالات بجاء و به موقع را از اشتراک کننده در برنامه به نمایندگی از بیننده ها و رسالت خویش کماحقه طرح میدارد و یا هم در شرایط افغانستان بخاطر حفظ جان، سرخود و اطفال خویش از طرح سوالات مستقیم و بجاء طفره میروند - نیز جداً قابل دقت است.
به هر صورت رسالت برنامه مناظره جهت قضاوت مردم پوره و تکمیل میگردد.

مردم و بیننده توان قضاوت، خواندن پشت ورق، وسط سطرها، ظاهر کلام و کنایه، اهداف دور و نزدیک آنرا خوانده و فهمیده میتوانند. بیننده را نباید به دیده کم نگریست.

احزاب، سازمان های سیاسی و شخصیت های کاندید شده از خود برنامه های دارند و برای تحقق آن از طریق گرفتن قدرت سیاسی کار میکنند.
رفتن و اشتراک در انتخابات و خویش را کاندید کردن بخاطر تحقق برنامه ونسخه های انسانی و خدمت به مردم عبادت است.

اما دیده میشود که بخشی از کاندیدان برنامه خاص ندارند و اینک بخاطر تصاحب قدرت سیاسی به برنامه و مشی ساختن میروند. برای رسیدن به این قدرت سیاسی شعارها و برنامه های عملی و غیر عملی و حتی عوامفریبانه جستجو میکنند.
این حالت جدا قابل توجه و غیر نورمال است. اما ملت قضاوت خویش را انشاء الله که خواهد داشت.

من باور دارم که ملت ما فقر و گرسنگی و خاتمان سوز دیده و مصارف دالر و کلدان در بخش مسایل نمایشی با درک خاص کارا خواهد بود. اما من به این هم معتقدم که مردم ما حین رای دهی و انداختن رای خود در صندوق ها خدا را شاهد دانسته - به ملت و رای خود خیانت نه خواهند کرد.
ملت درین راستا با انتخاب راه، نسخه و شخص بهتر به توکل الهی خواهد پرداخت.
نخبگان، علماء و روحانیون با خدا و انسانان خیراندیش درین راستا وظیفه و مسؤلیت دارند که ملت را در انتخاب شان رهنمایی و مساعدت نمایند. (اگر بینی که نابینا و چاه است - اگر خاموش بنشیند گناه است). ملت ما نابینا نیست و قضاوت خویش را دارد. منظورم آنهاست که به کمک و راه یابی ضرورت دارند و مردم آگاه و پیشتاز جامعه باید آنها را درین راه انتخاب خیر مساعدت نمایند.

آنهایکه از مناظره طفره میروند یا چیزی برای گفتن ندارند و یا هم تا حال آماده نیستند و تمرین لازم نه کرده اند.
آنهایکه از مناظره طفره میروند از جانب مقابل ترس دارند.
آنهایکه از مناظره طفره میروند به مردم و آراء آن احترام نمی کنند.
آنهایکه از مناظره طفره میروند ممکن به قوت مصارف مالی خود اتکاء و اطمینان دارند.
آنهایکه از مناظره طفره میروند ممکن تعهدات معتبر پشت پرده آنها را به موفقیت شان معتقد ساخته باشند.
آنهایکه از مناظره طفره میروند ممکن به قوت معامله گری بی سرحد خویش اعتقاد دارند.
آنهایکه از مناظره طفره میروند ضعیف اند، برنامه و پلان برای پیکش کردن ندارند.

دولت ها و حکومت ها میگذرند و ملت باقی است. در حیات کوتاه خویش جیروت های را دیدیم که گذشتن و قضاوت خویش را در مورد شان داریم. مرگ حق است و روز باز پرس آمدنی است.

به خاطر داریم که صحبت ها و بیانیه های بخشی از رهبران دولتی نظام های کمونیستی را در سالهای 90 قرن گذشته در تلویزیون های پارک های عمومی به نمایش می گذاشتند و مردم با شنیدن و دیدن این بیانیه ها که محتوی تراژیدی و کمیدی داشت - حذ برده و میخندیدند.
بار ها شنیدیم و دیدیم که مردم با تأسف به یک دیگر میگفتند: ای وای چه کسانی بی سویه، بی فهم و بیچاره رهبری شان را در دست داشتن.....

بخاطر داریم که دانشمندان، نویسندگان و متفکرین که برای خدمت به مردم چیزی برای گفتن و کردن داشتن - عوض کار مؤثر به کارهای فیزیکی و پایین از فهم و تحصیل شان مصروف بودند.

باید دقت کرد تا خاتمه ما با همچو خاتمه های مضحک و روی سیاه تاریخ و ملت گره نخورده - یکسان نشود.

باید دقت کرد که همه چیز گذرا است و نباید رسالت خویش را فراموش کرد.

اگر من به این معتقدم که: راه من حق است و باید پیروز شود و درین انتخابات باید حق پیروز شود. اگر من به این معتقدم که: در شرایط نورمال رئیس جمهور در موارد مختلف متخصصین دارد و مشی لازم را قبل از همه متخصصین تهیه داشته و رئیس جمهور توانایی تفکیک و موضع گیری در آنرا داشته در روشنی آن اعلام مشی خویش از نظر مردم و تأیید مردم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم بدست می آورد. اگر من به این معتقدم که: بخش از سوالات کاملاً مسلكی بوده که قبل از همه با ضرورت به وقت بیشتر و متخصص فن باید آنرا استدلال کند.

اگر من به این معتقدم که: رشد و بلند بردن کیفیت تولیدات داخلی راه حل اصلی است و ایجاد موانع، بلند بردن تکس وارداتی در جهان امروز قابل قبول نیست و تدبیر تاریخ زده است. جهان آنرا با ما قبول کرده نمیتواند. اگر من به این معتقدم که: برای افغانستان امروز بدون یک اقتصاد مختلط و بازار آزاد راه دیگر وجود ندارد. و بازار آزاد صد سال قبل که اکنون به وطن ما مواصلت کرده مشکلات غیر قابل انکار دارد که باید مهار شود. اگر من به این معتقدم که: ارزان ترین نظام سیاسی نظام دیکتاتوری فردی است. اینکه برای انتخابات مصارف میشود یک ضرورت است. بشریت دیگر وسیله جزء همین دیمکراسی نیم بند چیزی دیگری در دست ندارد. اگر مصارف تحت نظر قانون، شفاف و عادلانه صورت گیرد آنرا یک ضرورت میدانم که راه دیگر برای اظهار اراده مردم در عصر امروز وجود ندارد.

پست ریاست جمهوری قبل از همه پست سیاسی است نه مسلكی و زعیم حتمی نیست لقب آکادمیک داشته باشد. اما رئیس جمهور باید توانایی تفکیک و اخذ موضع گیری مشخص را در روشنی دست آورد های بشری بدون تعصب داشته باشد. خوشا به حال که شخص فنی و مسلكی اتوریته و صلاحیت سیاسی را نیز کسب کند.

اگر من به این معتقدم که: جهان جدید را نمیتوان با نسخه های جنگ سرد ساخت. چسپیدن به مطالب راست و چپ دیروز مشکل ما را حل نمی کند. به یک دید جدید بدون پیشداوری و تعصب که متأثر شده از زمان جنگ سرد نباشد - ضرورت است.

اگر من به این معتقدم که: اگر در این انتخابات قلب صورت نه گیرد این انتخابات به مرحله دوم میرود، اگر میخواهیم ملت به آرزو خود برسد باید به یک کاندید توافق نمایند. اگر توافق نه کنند - نتایج کاملاً معلوم است. لذا تأکیدات: با هیچ کاندید ائتلاف نه خواهیم کرد! مخالف الفباء سیاست است.

اگر من به این معتقدم که: که دولت تاجر و مولد خوب نیست و فعالیت های وی صرف و صرف در موارد که به امنیت و امنیت ملی، دفاع و سیاست خارجی ارتباط دارد مداخله میکند در بقیه موارد کار سکتور خصوصی است. در سکتور خصوصی باید قوانین عمل کنند و دولت باید از عواید تکس و مالیه اخذ بدارد.

اگر من به این معتقدم که: از مشاغل عمده افغانستان امروز عدم فعال بودن لازم ارگانهای دولتی در مورد اخذ مالیات و تکس است. زد بند های مافیای انجو ها با قدرت مندان بخش مرکزی این تخلفات است.

اگر من به این معتقدم که: مساعدت های خارجی به اثر عدم فعال بودن عمدی ادارات دولتی، بی کفایتی و رشوه ستانی و به بهانه اینکه اکثریت کمک های خارجی توسط انجو ها استعمال میگردد - حیف و میل شد.

اگر من به این معتقدم که: عدم روشن ساختن عمدی قواعد کاری، عدم تفاهم و عدم هماهنگی عمدی کار با مراجع بین المللی راه حق گرفتن مافیایی را به مراجع و اشخاص قدرتمند دولتی مهیا نمود. بهانه سطح نازل امنیتی که جای خود را دارد به هیچ وجه میبرر این تخلفات شده نمیتواند.

اگر من به این معتقدم که: بخش ازین حقایق را خود مسؤولین بهتر میدانند اما مفاد شان در همین گدودی های بود و هست.

اگر من به این معتقدم که: همه اتباع کشور ما حق دارند نظام برای کشور خویش سفارش کنند که مناسب ببینند، اما این نظر و طرز تفکر باید در قواعد و شروط خانه

اگر من به این معتقدم که: تغییر نظام در چوکات قانون و مطابق به قانون و رد راه های انقلابی تغییرات سیاسی یگانه راه ها تغییرات مطلوب در جامعه امروزی برای ما قابل قبول است.

اگر من به این معتقدم که: بایروی از سیاست کادری درست، سیاست اقتصادی شفاف، بلند بردن ظرفیت های ارگانهای عدلی و قضایی، موجودیت اراده سیاسی برای تطبیق قانون و ایجاد توازن بین قوای سه گانه در قانون اساسی میتوان نظام ریاستی را برای افغانستان سفارش کرد.

اگر من به این معتقدم که: نظام هالی ریاستی انواع مختلف دارد و نظام ریاستی امروزی افغانستان حتی با نظام ریاستی جمهوری اسلامی ایران فرق دارد. رئیس جمهور در ایران صرف رئیس قوه اجرائیه است و رئیس جمهور افغانستان مطابق به قانون اساسی فعلی در واقعیت رئیس قوه های سه گانه است.

اگر من به این معتقدم که: نظام ریاستی برای فعلاً و نظام پارلمانی برای دوره های بعدی نظام خوب برای افغانستان شده میتواند.

اگر من به این معتقدم که: نظام فدرالی برای افغانستان امروزی، آغاز پروسه تجزیه، جداسازی قومی، عامل اضافه شدن ارگانها و مقامات دولتی که از کمر ملت نان خواهند خورد میگردد. افزایش کاغذپرانی و با در نظر داشت سطح کادری کشور ضعیف شدن کوالیته و کیفیت کاری دولت و میگردد. مطالب که صرف تحت نظام فدرال به ناحق جاء زده میشوند - میتوانند به شکل بهتر در چوکات نظام های دیگر نیز تحقق یابند.

اگر من به این معتقدم که: به وظایف رئیس جمهوری در نظام پارلمانی نام وظایف تشریفاتی تأکید کردن سخن دقیق نیست. رئیس جمهور در نظام پارلمانی همان صلاحیت های را دارد که قانون اساسی برایش خواهد داد و این را تشریفاتی نامیدن، برداشت درست نیست.

اگر من به این معتقدم که: اصطلاحات حاکمیت و عدم حاکمیت مردم را در سیستم سیاسی پارلمانی و یا ریاستی به صورت شکلی خلاصه کردن بی معنی است.

اگر من به این معتقدم که: تقویه رشد فرهنگهای موجود در افغانستان را با تقسیم چوکی های دولتی خلاصه کردن، خطاء است. عملا ازین شعار ها بیشتر تاجران سیاسی و قومی منفعت میبردند. دولت ضعیف امروزی این حالت بد را تشجیع کرد.

اگر من به این معتقدم که: محاسبات قومی نظام امروزی خود زمینه ایجاد تفرقه و بدبختی وطن میگردد. اگر انتخاب افراد را به اساس محک اصلی محاسبه قومی و اولیت قومی تعیین نمایم، در آنصورت دورنمای همچو بازی ها به خیر و منفعت تمامیت ارضی و مردم افغانستان نیست.

اگر من به این معتقدم که: بر محاسبات قومی و منطقوی قبل از همه زمانی تأکید و تائید بیشتر میشود که حاکمیت ها از طرق و وسایل غیر طبیعی چون کنفرانس های بن و کودتا ها و معاملات نادرست پشت پرده و تزویر ها به قدرت میرسند.

در صورتیکه حاکمیت ها به طرق نورمال و با گرفتن مشروعیت از مردم مطرح باشد و حاصل شود، در آن صورت این تأکیدات کاملاً فرعی و غیر تعیین کننده - خواهد شد.

اگر من به این معتقدم که: انتخاب و انتصاب باید در پست های سیاسی به اساس نتایج انتخابات و در پست های مسلکی به اساس مسلک باشد. شخص فنی و مسلکی که از اتوریتیه سیاسی برخوردار نیست - میتواند برای پست سیاسی صرف در پست مشاور خوب انتخاب و انتصاب گردد.

خوشا به حالت که شخص مسلکی از اتوریتیه سیاسی را نیز با انتخاب ملت داشته باشد.

اگر من به این معتقدم که: تمام نظام های سیاسی و اقتصادی امروزی را که بشریت در دست دارند جوانب مثبت و منفی خویش را دارند. بناً نظام های ریاستی را با مثال دادن نظام ریاستی امروزی افغانستان که ترکیب از همه چیز، غیر متوازن به مرکزیت تأکید شده - خلاصه کردن و به آن استدلال کردن، استدلال به حق خطاء است.

اگر من به این معتقدم که: مذاکره با مخالفین و از جمله جنبش طالبان به اساس فرمول:

- دریک جامعه تازمانی صلح دوامدار و مستقر آمده نمی تواند تا زمانیکه که نیروهای واقعی در یک جامعه در نتیج سیاسی نماینده نداشته باشند.

مفاهمه و مذاکره با مخالف و اپوزیسیون حتماً به معنای قبول راه مقابل نه بلکه تفاهم و موافقه بر قواعد سیاسی کار است.

اگر من به این معتقدم که:

خیر و مصلحت افغانستان در صلح و آرامش است تا ملت نظر خویش را در انتخاب راه اظهار بدارد.

اگر من به این معتقدم که: قانون اساسی ساخته و پرداخته دست انسان است!

از یک جانب به استقرار قانون توجه داریم اما از جانب دیگر برای تغییر قانون راه های قانونی وجود دارد.

تخلف از آن سازنده نیست و تغییر قواعد بازی در خانه مشترک باید به توافق همه برسد و این حق را تنها به خود تعلق داده، قابل قبول نیست.

اگر من به این معتقدم که: تساوی حقوق، برادری، برابری و وحدت ملی در افغانستان به توافق و معامله این و آن تأمین شده نمی تواند!

بلکه تساوی حقوق، برادری، برابری و وحدت ملی در افغانستان به حاکمیت قانون، تأمین عدالت، سیاست کادری قرن ۲۱ و شایسته سالاری ضرورت دارد و بس!

اگر من به این معتقدم که: حین بحث بر عفو عمومی حق الله و حق العبد را در نظر نه گرفتن غیر عادلانه است!

اگر من به این معتقدم که: تصویب اعلامیه حقوق بشر و رفتن به جزییات آن بحث های تیوریکی طویل و عریض است و از جانبی هم در بعضی موارد فهم های متفاوت در حقوق اساسی بشر وجود دارد.

تساوی حقوق و تساوی رسالت دوماطلب جداگانه است! رسالت زن و مرد در خانواده و جامعه متفاوت است.

قوانین یک کشور حد اقل به قوانین عادی و قانون اساسی تقسیم میگردد. بخش از قوانین در سطح قانون اساسی قرار

دارند ، یعنی اگر قوانین دیگر در مخالفت به قانون اساسی و یا قوانین که در سطح قانون اساسی قرار دارد غیر معتبر پنداشته میشوند. طریق تغییر و تعدیل قانون اساسی ضرورت به یک پروسیجری و راه کرد پیچیده را تقاضا دارد. کنوانسیون های بین المللی از جمله اعلامیه اساسی حقوق بشر جزء از سیستم حقوقی کشور ما اند و در سطح قانون اساسی قرار دارند.

چنین است فهم من از مسایل و ضرورت نیست که اشتراک کننده ها این مناظرات حتما باید همان چیزی را استدلال کنند که ما معتقد به آن هستیم. من به این معتقدم که هر جواب اشتراک کننده این مناظره رسالت مناظره را پوره کرده، بیننده و رای دهنده را در تصمیم اش مساعدت و همکاری جدی خواهد کرد.

هموطن گرامی !

باید از زمینه های مساعد شده جهانی ، افغانستان را به سمت رشد و انکشاف بهتراجماعی ، اقتصادی و سیاسی سوق داد. فرزندان صالح این وطن از فضای به میان آمده جهانی با تعقل و تفکر سالم، نیت پاک، با اولویت دادن به اولویت های کشور بخاطر صلح، آرامش ، تفاهم نیک، ایجاد فضای اعتماد، رشد و ترقی افغانستان باید بهتر استفاده نمایند .

ضرورت است تا دیر نه شده و فرصتهای خوب یکبار دیگر از دست نرفته تا همه با هم دست داد. ضرورت است تا با غور و مذاقه فرزند صالح این وطن را که شایسته ، لایق و مناسب را به پست مقام ریاست جمهوری، زعیم و رهبر کشور ما افغانستان انتخاب نمایم. شخصیت که با نیت پاک و صداقت ، فهم و کاردانی قبل از همه درد ، رنج و مشکلات اساسی و حیاتی مردم افغانستان را تشخیص نموده برای معالجه و تداوی آنها با تیم از افراد صالح ، خیر اندیش و کارفهم کمر همت بسته، با مصرف و قربانی کم و وقت کوتاه این پروسه خیر و خدمت متین و استوار ببیماید. کشتی که به مسیر غرق شدن میرود نجات داده به منزل مقصود برساند. و من الله التوفیق

پایان